

## جهانی‌شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌های جهان اسلام

حسن آرایش<sup>۱</sup>، علیرضا فتحی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور واحد بین الملل قشم، ایران

### چکیده

گفتمان جهانی‌شدن، امروزه یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین واژه‌های رایج در سطح روابط بین‌الملل می‌باشد، جهانی‌شدن از یک آغاز جدید، گفتمان‌های جدید، نگاه جهان‌گرایانه جدید و در کل از یک جهان جدید حکایت دارد. این جریان به صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون نموده و انسان‌ها را با دنیای دگرگون شونده، نفوذپذیر و ناآشنا و فاقد حد و مرز و غیرقابل کنترل، و پیچیده مواجه ساخته است. جهانی‌شدن در عین حال که فرصت‌هایی را فراهم کرده تا در اثر گستردگی ارتباطات، پیروان ادیان و مذاهب مختلف، به عقاید یکدیگر شناخت بیشتری پیدا کنند در عین حال برای دین و پیروان ادیان چالش‌هایی نیز پدید آورده است. ابعاد گوناگون جهانی‌شدن که بدانها اشاره شد، کشورهای اسلامی را نیز دربرمی‌گیرد و آنها را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. از آنجا که بیشتر کشورهای اسلامی در جهان در حال توسعه و یا توسعه نیافته قرار دارند، تأثیر جهانی‌شدن می‌تواند برای آنها به مراتب سنگین‌تر از دیگر مناطق جهان باشد. از طرف دیگر جهانی‌شدن این فرصت را نیز برای جهان اسلام فراهم نموده است تا پیام‌های والای دین اسلام که با فطرت انسان‌ها هماهنگ است را به انسان‌های آزاده و ملل مختلف در سطح جهان برساند. در این مقاله فرصت‌ها و چالش‌هایی که جهان اسلام در فرایند جهانی‌شدن با آن مواجه و روبرو است را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**واژه‌های کلیدی:** جهانی‌شدن، اسلام، چالش‌ها، فرصت‌ها.

## مقدمه

اصطلاح «جهانی‌شدن» در یک برداشت، حاکی از واقعیتی است که به آن پروژه جهانی‌سازی اطلاق شده است. در برداشت دیگر، جهانی‌شدن به عنوان یک روند تاریخی - تمدنی و یا فلسفه سیاسی دوران معاصر تلقی می‌شود که باید در آن به دیده تأمل و دقت نگریست و بنیادها، پیشینه‌ها، مبانی، ارزش‌ها و به طور کلی سیر تاریخی آن را از منظرهای گوناگون بررسی نمود. ابتدا باید یادآور شویم که جهانی‌شدن را باید از دست افراط و تفریط نجات داد. اگر از یک‌سو، روندهای جهانی‌شدن روندهایی تخیلی نیستند و برخی تغییرات واقعی و مهم در اقتصاد و سیاست و دیگر امور جهان در حال رخ دادن است، در عین حال، بسیاری از ادعاهای افراطی طرفداران جهانی‌شدن مانند محو مرزهای جغرافیایی یا حذف دولت‌ها - هم متقاعدکننده نیستند. تصور جهان به عنوان یک کل، نگاه کل‌نگر به انسان و تلقی نمودن همه انسان‌ها به عنوان اعضای یک جامعه بشری، مباحث مربوط به زمان و مکان و...، برخی از چشم‌اندازهای مباحث فلسفی درباره جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن فردای جهان و انسان است. فردای بشریت، و چه بسا امروز بشریت، در متن جهانی‌شدن واقع شده است. پس باید از چشم‌اندازی اسلامی برای فردای بشریت آماده شد. در دین مبین اسلام تمام مصالح لازم برای جهانی‌شدن، فراهم است؛ فقط اسلام‌شناسانی خبیر و دانش‌ورانی متعهد لازم است تا ذهن‌های منصف و جویای حقیقت را به سوی آن دعوت کنند. جهانی‌شدن دینی و در وجه خاص‌تر، «جهانی‌شدن اسلامی» مربوط به تمسک دین‌داران به آموزه‌های جهان‌شمول ادیان برای تبیین جهانی‌شدن دینی و اسلامی است. از دیدگاه آنان، جهانی‌شدن واقعی، همان جهانی‌شدن دینی است. طرفداران جهانی‌شدن اسلامی، با تمسک به آموزه‌های اسلامی، به دنبال تحقق حکومت جهانی اسلامی هستند؛ زیرا اسلام از روز آغازین ظهورش جهانی بود و شعارها و تعالیمش برای تمام بشریت تنظیم شده بود و چون دین فطرت بود بنابراین، تمام بشریت را شامل می‌شد. سؤال اصلی تحقیق این است: مبانی جهانی‌شدن چیست و ظرفیت‌ها و موانع جهانی‌شدن اسلامی کدام است؟

نگاه متعادل به موضوع جهانی‌شدن آن‌گاه رخ می‌دهد که با توجه به مبانی نظری آن و پس از بررسی ظرفیت‌های علمی این پدیده در ارتباط با انسان و جهان و غایت هستی، قضاوتی منصفانه و عادلانه درباره آن ارائه شود. بررسی آثار ارائه‌شده در این باب نشان می‌دهد که به این جنبه کمتر توجه شده است. جنبه نوآوری این تحقیق در این است که به طور منصفانه به قضاوت درباره این مبانی و اصول جهانی‌شدن می‌پردازد و پیشنهادهایی را برای استمرار مباحث جهانی‌شدن اسلامی و تحقق عینی آن در جامعه اسلامی ارائه می‌نماید.

## نظریه جهانی‌شدن

جهانی‌شدن در عصر کنونی به مفهومی که اکنون رایج گردیده است ریشه در تحولات فکری و مادی غرب دارد. پدیده‌های که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییرات و تحولات بسیاری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روابط بین المللی شده و کشورهای جهان را با چالش بزرگی روبرو کرده است. تأسیس سازمان ملل متحد، انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان، انتشار نظریه موج سوم الوین تافلر، پایان جنگ سرد، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی، گسترش روز افزون سازمانها و اتحادیه‌های اقتصادی نظر آسه‌آن، اکو، ادغام بازارهای مالی، ادغام بانک‌های بزرگ جهانی، تأسیس گات و در پی آن

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ همگی از پیش زمینه‌های بروز پدیده جهانی شده است که هر چه زمان پیشتر می‌رود شدت و قدرت آن بیشتر می‌شود. به علاوه رشد و پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری در زمینه‌هایی مانند حمل و نقل و رایانه و انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰ بسیار تأثیرگذار بوده است.

جهانی شدن، پدیده‌ای چند بعدی است؛ از این رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... را در بر می‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند، و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌گردد (رجایی، ۱۳۸۰: ۴۰) در حوزه اقتصاد، به تبع تحولات فنی مذکور، تغییرات بی‌سابقه‌ای رخ نمود. در جهانی شدن، کنترل اقتصاد دولت ملی بر اقتصاد ملی به نحو فزاینده‌ای از دست می‌رود و عناصر اصلی سیاستهای اقتصادی و مالی ملی، جهانی می‌شوند. از لحاظ سیاسی، با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، چون بانک جهانی، تحولات چشم‌گیری در حوزه محدود شدن قدرت و حاکمیت دولتهای ملی رخ می‌نماید. به طور کلی، در فرآیند جهانی شدن، ویژگیهای اصلی دولت ملی همانند اهمیت و نقش مرزها، رو به زوال است. در سطح فرهنگ باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت. جنبشهای فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی جزئی از این جامعه اند و به مسائل و موضوعاتی چون رعایت حقوق بشر و آزادیهای مدنی از جانب دولتهای ملی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولتهای ملی بسی فراتر می‌روند. (نش، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۰) جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. البته هر چند جهانی شدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... است، بیش از همه، روندی اقتصادی است (تاملیسون، ۱۳۸۱: ۲۸).

با توجه به تعاریف گفته شده اصول و ویژگیهای جهانی شدن عبارتند از:

۱- جهانی شدن فرآیندی تک بعدی نیست بلکه این پدیده فرآیندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.

۲- جهانی شدن پدیده‌ای چالش‌گراست به گونه‌ای که به ابعاد آن قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون نظم، امنیت، دولت، حاکمیت ملی، هویت، اقتدار ملی، فرهنگ و ... را در نوردیده و زمینه را برای تفسیر و باز تعریف آنها فراهم کرده است گفته می‌شود که هسته اصلی مفهوم جهانی شدن در این معنا خلاصه می‌شود که دیگر واحد دولت ملی چارچوب کارآمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست.

۳- جهانی شدن یک فرآیند و پروسه است نه یک وضعیت غائی. ما در جهانی شدن با فرآیند «شدن» سرو کار داریم فرآیندی که به کمک عواملی همچون نظام ارتباط جهانی، سازمانهای بین‌المللی و ... مرزهای ملی را نادیده گرفته و بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تحول و تبدیل و تأثیرپذیری کرده است بطوری که گفته می‌شود جهانی شدن اولاً روندی اجتناب‌ناپذیر است (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۴).

### اسلام و جهانی شدن

رویکرد به مفهوم جهانی شدن، چه در تئوری، چه در عمل، پیشینه‌ای به قدمت بشر دارد؛ زیرا گرایش به جهانی شدن، نخست در ادیان الهی بروز کرد، به گونه‌ای که ادیان بزرگ الهی، چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، سودای جهانی سازی داشته اند، و

هر یک از آنها، درصددند امت یگانه و حکومت واحد جهانی پدید آورند؛ البته در این میان، اسلام، برترین و کامل ترین شکل جهانی سازی دینی را مطرح کرده است. «ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (۱۰۵/ انبیاء) مخاطبان در جهانی سازی اسلامی، نه عرب، نه عجم، نه مکی، نه مدنی و نه حتی مسلمانان، بلکه تمام مردم اند، و معنویت (خدا) و عقلانیت (انسان) دو عنصر اساسی آن است. در کنار ادیان الهی، تمدنها، کشورها، و مکتبهایی نیز بوده اند که براساس اندیشه های جاه طلبانه، سودجویانه و توسعه خواهانه، میل به جهان گرایی داشته، و حتی کوشیده اند، در قالب جهانی گشایی به آن جامه عمل ببوشانند. بابلیان، ایرانیان، رومیان و ... از همین تمدنها، کشورها و آدمهائند که در پی نیل به حکومت بر جهان و واداشتن همگان به پیروی از ارزشهای خود بوده اند (عبدالحمید، ۱۳۸۰: ۹) جهانی شدن و تشکیل حکومت جهانی از دیرباز بعنوان یکی از آرمانهای بشریت مطرح بوده است. انسانها همواره خواهان آن بوده اند که در پرتو اصول مشترک و متعالی به جنگها و درگیریها خاتمه داده و زندگی مسالمت آمیزی را محقق سازند. پیامبران الهی نیز تحقق چنین آرزویی را در آینده تاریخ بشریت بشارت داده اند که وجود تفکر ظهور یک منجی جهانی در میان ادیان و مذاهب مختلف خود دلیلی براین ادعا می باشد (خلیلیان، ۱۳۶۲: ۱۱۲).

جهانی شدن مشتمل بر امواجی است که به نظر می رسد نظم برآمده از عصر جدید را دستخوش تغییر و دگرگونی نموده است. اندیشمندان و نظریه پردازان معاصر معتقدند که تفکر جهانی شدن از اندیشه های کلیدی ورود انسان معاصر به هزاره سوم میلادی است (کیلی ومارفیت، ۱۳۸۰: ۱۲۳). با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره ما شاهد یک نوع تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری هستیم بویژه در عرضه فرهنگ سیاست و اقتصاد. فرآیند جهانی شدن از یکسو موجب افزایش معرف بشری و تحکیم روابط بین المللی شده و یک رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد ولی از دیگر سو سبب بروز چالشها در حوزه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده و می شود بطوری که طرفداران دیدگاه رهیافت واگرایی معتقدند که حرکت اصلی فرآیند جهانی شدن به سمت افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملتها شده است (کیانی، ۱۳۸۰: ۲۹).

حرکت جهانی شدن با همه ابعاد وسیعی که دارد هر چند نتوانسته است بطور کامل حاکمیت ملی دولتها را کنار بزند اما در عین حال موجب شده است که «حاکمیت»، مفهوم اصیل خود را از دست بدهد و روند جهانی شدن منجر به تحدید حاکمیت دولتها گردیده است بطوری که دولتها استقلال و آزادی عمل کامل خود را از دست داده اند. موضوعاتی از قبیل حقوق بشر، منع گسترش سلاحهای هسته ای، تجارت جهانی، تأسیس دیوان کیفری بین المللی و... از مصادیق محدودیت به شمار می آیند. ما امروز شاهد ظهور گونه های جدیدی از فرهنگ جهانی هستیم که بعنوان ارزش مطرح و تبلیغ می شود مفاهیمی از قبیل حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، سکولاریسم که با فرهنگ ملی و دینی جوامع مسلمان مطابقت ندارد ولی بعنوان یک الگوی ارزش به سایر جوامع تحمیل می شود. به نظر می رسد فرهنگ فعلی حاکم بر ابزارهای ارتباطی برای کسانی که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند هویت را از دست می دهد و هویت انسانی قربانی هویت ماشینی می شود. در بعد جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن باعث همگرایی و نزدیکی ادیان و مذاهب شده که این خود پایه های مشترک جهانی آنها را محکم تر می سازد. علی رغم تصور برخی که فکر می کنند در عصر مدرنیته و انفجار اطلاعات و در هم آمیختگی فرهنگها، دین به انزوا کشیده می شود باید گفت جهانی شدن نه تنها دین را به حاشیه نرانده بلکه در متن دغدغه های روحی بشر معاصر قرار داده است و انسان معاصر بیش از هر زمان به دین و آموزه های دینی احساس نیاز می کند (علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی) و جایگاه اندیشه دینی مورد تقویت و تأکید قرار گرفته است بنحوی که برخی معتقدند از دو مذهب مسیحیت و اسلام تبلیغ بیشتری می شود. و فضای

جهانی فضای گفتگوی این دینها شده است گروهی دیگر نیز معتقدند که جهانی شدن باعث سکولاریزه شدن دین می شود به عبارت دیگر در فرآیند جهانی شدن فرهنگ غالباً از دین، مفهوم فردی آن تبلیغ می شود نه دین حکومتی و اجتماعی. البته باید اذعان کرد که جهانی شدن عرصه مناسبی را برای تبادل افکار و اندیشه ها فراهم ساخته است.

### ظرفیت های جهانی شدن اسلام

آنچه امروزه از آن تحت عنوان فرآیند جهانی شدن نام برده می شود علی رغم وجود نزدیکی و شباهت ها از جمله حذف مرزهای جغرافیایی و سیاسی، با مفهوم جهانی شدن از دیدگاه اسلام مطابقت ندارد ولی مسلم آن است که اسلام منافاتی با موضوع جهانی شدن و جهانی سازی ندارد ولی ویژگی های جهانی شدن از منظر اسلام با ویژگی های اصطلاحی امروزی آن متفاوت می باشد. مروری بر مفاد متون دین و فرهنگ دین ما را به این واقعیت غیرقابل انکار روبرو می سازد که دین اسلام یک دین جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است.

هدف نهایی اسلام، مانند سایر ادیان جهانشمول الهی، تشکیل یک جامعه جهانی و اجرای نظام حقوقی واحد در سراسر گیتی است. پیامبر اکرم (ص) از ابتدای بعثت با ارسال نامه، پادشاهان و سران کشورهای مختلف را به دین اسلام فرا خواند و با این عمل رسالت جهانی اسلام را پی گرفت اما متأسفانه رسالت جهانشمولی اسلام تا به امروز عملاً تحقق نیافته و صرفاً در حد یک "نظریه" یا "اعتقاد مسلم" باقی مانده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۴۹). از سوی دیگر این مسئله مطرح شده است که اسلام چگونه در عین حال با ارائه مجموعه ای از قوانین ثابت می تواند خود را با نیازهای متغیر جامعه بشری هماهنگ سازد؟ لیکن باید توجه داشت "اگر تمام قوانین اسلام جنبه جزئی داشت و برای هر موضوعی حکم کاملاً مشخص و جزئی تعیین کرده بود جای این سؤال بود اما با توجه به اینکه در دستورات اسلام یک سلسله اصول کلی و بسیار وسیع و گسترده وجود دارد که می تواند بر نیازهای متغیر منطبق شود و پاسخگوی آنها باشد دیگر جایی برای این ایراد نیست. فی المثل با گذشت زمان یک سلسله قراردادهای جدید و روابط حقوقی در میان انسانها و کشورها پیدا می شود که در عصر نزول قرآن هرگز وجود نداشت ... ولی با اینحال یک اصل کلی در اسلام داریم که در آغاز سوره مائده به عنوان "لزوم وفاء به عهد و عقد" یا ایها الذین آمنوا و فوا بالعقود آمده است. همه این قراردادها را می توان زیر پوشش خود قرار دهد ... مثال دیگر اینکه ما قانون مسلمی در اسلام داریم به نام قانون لا ضرر ... که بسیاری از نیازها از این طریق برطرف می شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۴۷-۳۴۶). خصوصیات جهانشمولی اسلام در کل عبارتند از: جامعه واحد، عقیده واحد، قانون واحد، هدف مشترک واحد، برابری و برادری انسانها و بالاخره حکومت جهانی واحد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۴۸).

رابرتسون معتقد است که جهانی شدن می تواند بر مبانی و شکل و قالب متفاوتی صورت پذیرد. از این رو، تصریح می کند که برای جهانی شدن، صورت های امکانی و اشکال بدیلی نیز مطرح است. «مثلاً، می توان گفت: «اسلام» به لحاظ تاریخی در کل، واجد وجهی جهانی کننده بوده است، اما اگر این وجه بالقوه از جهان شدن پیروز می شد ما اکنون یقیناً صورت متفاوتی از جهان بودگی داشتیم. آن گاه طبیعتاً مدل ما نیز صورت دیگری داشت (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۴۲) از دید وی، با پایان جنگ سرد، ما شاهد شرایط پیچیده تری در عرصه جهانی شدن شتابان، حضور فزاینده اسلام در سیاست، رواج گفتمان پساتجدد و احیای جنبش های قومی که می تواند خود یکی از وجوه جهانی شدن در دوره معاصر باشد، هستیم. رابرتسون اعتراف می کند که اسلام، حضور عظیم و گسترده ای در جهان معاصر به نمایش گذاشته است؛ هرچند وی معتقد است: لزوماً حضور اسلام در جهان

معاصر، همساز با سایر روندهای حاضر در عرصه جهانی شدن نبوده است. از این رو، به کشورهای اسلامی و به بخش بزرگی از جهان اسلام، در حضور قدرت‌های بزرگ اقتصادی، نقشی درجه دومی داده شده است (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۸۰).

اسلام چنان ظرفیت و توانایی در خود دارد که بتواند خود را به الگوی برتر در گفتمان جهانی و عرصه جهان تبدیل نماید. در چارچوب جهانی شدن اسلامی است که می‌توان تأمین تمام نیازهای مادی و معنوی انسان را ملاحظه کرد. طرح‌های آرمانی جهانی باید مبتنی بر آموزه‌های ادیان، بخصوص جامعه آرمانی اسلام، دنبال شود.

ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم‌پاشیده، جامعه‌ای نو، بنیاد نهد. اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملت‌ها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند (بواز، ۱۳۶۱: ۱۲۵). اسلام مسأله جهانی شدن و تشکیل جامعه جهانی و حکومت جهانی را مطرح کرده است. مستندات و ادله زیر را می‌توان برای اثبات این موضوع بیان نمود:

## الف: آیات قرآن

۱- آیات زیادی از قرآن کریم به صراحت یا به صورت غیرمستقیم از جهانی شدن رسالت اسلام و محدود نبودن آن به مکان یا زمان معین سخن گفته و نگاه جهانی دین اسلام را حکایت و ترسیم نموده‌اند.

«قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً» (۱۵۸ / اعراف).

«ای رسول ما به خلق بگو که من بر همه شما جنس بشر رسول خدایم»

«یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (۲۱ / بقره)

«ای مردم خدایی را بپرستید که آفریننده شما و پیشینیان شماست باشد که منزّه شوید»

«و ما ارسلناک الاکافه للناس» (۲۸ / سباء).

«و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را بشارت دهیم نفرستادیم»

«و ما ارسلناک الارحمه للعالمین» (۱۰۷ / انبیاء).

«وای رسول ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل جهان باشد»

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً» (۱ / فرقان).

«بزرگوار آن خداوندی است که قرآن را بنده خاص خود نازل فرمود تا اهل عالم را متذکر و خدا ترس گرداند»

«إن الله اصطفى آدم ونوحاً و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين» (۳۳/ آل عمران).

«به حقیقت خدا برگزید آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان»

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره على الدین کله» (۲۸ / فتح).

«او خدایی است که رسول خدا را قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب گرداند»

در آیات شریفه فوق به این مطلب اشاره شده است که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) پیام قرآنی خود را که همان وحی الهی است با ویژگی ابديت برای تمام بشریت اعلام کرده است و آیات مزبور دلالت دارند بر فراگیر جهان شمول نظام حقوقی اسلامی و اینکه رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جهانی و برای تمام انسانها است.

۲- آیاتی که در آنها تشکیل جامعه جهانی بشارت داده شده است.

«و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون» (۱۰۵/ انبیاء).

«و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد»

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملو صالحات لیستخلفنکم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبیدن لهم من بعد خوفهم امنا...» (۵۵/ نور).

«و خدا به کسانی که از شما مؤمنان ایمان آرد و نیکوکار گردد وعده فرموده است که در زمین خلافت دهد چنان که امم صالح پیامبران سلف جانشین پیشینان خود شوند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط عطا کند و بر همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد.»

«یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لاتتبعوا خطوات الشیطان» (۲۰۸/ بقره).

«ای اهل ایمان همه متفقاً نسبت به اوامر خدا در مقام تسلیم درآیید و از دسیسه‌های تفرقه‌آور شیطان پیروی نکنید»

«یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشرك به شیئا» (۶۴/ آل عمران)

«بگوای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید و بجز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم»

## ب) روایات

عموم مضامین قرآنی از روایات نیز قابل برداشت است با مراجعه به احادیث و روایات بدست می‌آید که پیام اسلام محدود به زمان و مکان خاص نیست بعنوان نمونه به یک فراز از نهج البلاغه اکتفا می‌شود.

«اما بعد فان الله سبحانه بعث محمداً صلى الله عليه و آله نذيراً للعالمين» (نامه ۶۲ نهج البلاغه).

### چالش‌های جهانی شدن اسلام

جهانی شدن با زاویه دید جامعه فراصنعتی، به معنای انتقال آرام یا خشن ویژگیهای این جامعه به خارج از محدوده غرب است. بیشتر کشورهای غیرغربی، در حال تجربه کردن تجربه اروپای قرن نوزدهم برای ورود به یک جامعه صنعتی اند؛ زیرا تأمین معیشت، تأمین حداقل زندگی یا حفظ بقا، به عنوان مشغله اصلی کشورهای جهان سومی، در پرتو فراهم آوردن یک جامعه صنعتی دست یافتنی است.

جهانی شدن به مفهوم اشاعه و تثبیت ملایم بنیادهای اخلاقی، ارزشی و ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی در کشورهایی است که از جهات ساختاری، چند سده از جوامع غربی عقب اند. در نتیجه، بسیاری از کشورهای خارج از حوزه غرب، امروزه با مشکلاتی رو به رو هستند که کشورهای غربی چند قرن قبل، آنها را پشت سر گذاشته اند. در چنین وضعیتی، غرب، منتظر نمی ماند که کشورهای توسعه نیافته به سطح زندگی اجتماعی غرب دست یابند؛ بلکه درصدد بر می آید، ارزشهای خود را به منظور یکسان سازی جهانی، بر آنان تحمیل نماید. در جامعه فراصنعتی، به عکس دوره های قبل، قدرت سیاسی دارای طبیعتی منع کننده نیست؛ بلکه انسانها بیشتر به صورت داوطلبانه و بدون حاکمیت زور، نظم و مقررات حاکم بر جامعه را می پذیرند. به دیگر سخن، انسانها بی آنکه نهادی آنها را ملزم سازد، خود به این نتیجه می رسند که این فعالیت عقلانی است، و باید انجام گیرد. در حقیقت، مردم به سبب منفعت و لذت شخصی، و فارغ از ترس دولت به این نظم تن می دهند. پذیرش نظم حاکم و اجرای رفتار و کردار مناسب با آن، بر مبنای خودآگاهی متأثر از عصر ارتباطات صورت می گیرد (دهشیر، ۱۳۷۹: ۹۰-۸۹).

پنج تهدید عمده جهانی شدن را به این شرح بر می شمارد: اول اینکه ممکن است جهانی شدن برای خیلی از مردم سخت و طاقت فرسا باشد؛ دوم اینکه ممکن است پدیده جهانی شدن را آن قدر پیچیده نمایند که تنها عده معدودی قادر به بهم ریختن آن باشند؛ سوم اینکه ممکن است پیچیدگی جهانی شدن، زندگی اشخاص را با مشکل مواجه سازد؛ چهارم اینکه ممکن است پدیده مذکور برای خیلی از مردم نامطلوب تلقی شود؛ پنجم اینکه جهانی شدن این قابلیت را دارد که صفت انسانیت را در وجود انسانها محو کند. به دلایل فوق، فریدمن جهانی شدن را نوعی نگرش والت دیزنی به جهان می داند که از سوی غرب سرچشمه می گیرد و هدایت می شود (روزنامه جام جم، ۱۳۸۰: ۸).

آلن تورن - جامعه شناس و متفکر فرانسوی - بیش از فریدمن بر نسبت بین غرب و امریکا با جهانی شدن تأکید دارد. به اعتقاد وی کسانی که در پی جهانی کردن مناسبات اجتماعی هستند، خطر چندانی ندارند، آنچه بسیار خطرناک است، نوع تفکر سلطه جویانه ای است که بوش و افراد هوادار وی درباره جهانی شدن دارند (روزنامه ایران، ۱۳۸۱: ۶).

شکل گیری ارزشهای نوین غربی: از رنسانس و اصلاح مذهبی که قرون ۱۴ تا ۱۷ میلادی را در نورددید، به دوره پاگیری ارزشهای جدید تمدن غرب یاد می شود. رنسانس با به رسمیت شناختن فعالیتهای فکری غیردینی، و اصلاح مذهبی با قرائت دنیایی از دین، نظام اجتماعی غرب را در حوزه های محوری اقتصاد، سیاست و فرهنگ، شکل داد و نظم بخشید، و به تدریج و در یک بستر تاریخی چند صد ساله، جامعه ای جدید را در غرب پدید آورد که نهادها و ارزشهای تازه، در درون خود



داشت. اینها به علت درونی بودن و شکل گیری تدریجی آن، رجعت به دوره قبل را غیرممکن می ساخت. دگرگونی در ارزشهای غرب، زمانی به یک واقعیت گریزناپذیر تبدیل شد که موجب گسترش حوزه نفوذ غرب به شرق و آغاز عصر استعمار کهن گردید. بدین گونه، آنان کوشیدند تأمین نیازهای متنوع ناشی از تحول در محیط ارزشی زندگی اجتماعی را نه تنها در غرب، بلکه در سراسر دنیا جست و جو نمایند؛ زیرا در محیط ارزشی و مادی غرب، دنیای اجتماعی به اندازه خود طبیعت تغییرناپذیر است؛ از این رو تفاوت‌های دنیای غرب و جهان خارج از آن، جنبه اساسی پیدا کرده است.

۲- تثبیت عقل مداری غربی: در دوران پس از رنسانس و اصلاح دینی، دوره کاپیتالیسم و انقلاب صنعتی رخ می نماید که بر عقلانیت به شکل غربی آن استوار است. عقلانیت غربی، متأثر از نظریه تسلیم محض در برابر دنیا است، و تنها عقلانیت می تواند با معیارهای به ظاهر علمی، به جداسازی ارزشها و واقعیتها بپردازد.

این عقلانیت، خصلتی سرمایه داری دارد، و در دست یابی به توسعه سرمایه داری، عملکرد مفید، کارآیی مؤثر، محاسبه پذیری و آینده نگری مبتنی بر عقل بدون وحی را توصیه می کند. تمدن غرب نیز بر این خصایص تکیه و تأکید دارد. امروزه برای بسیاری از کشورهای توسعه نیافته جهان، نیل به توسعه غربی به یک آرمان تبدیل شده است. از این رو جوامعی که خواهان الگوبرداری از الگوی توسعه غرب اند، ناچارند به ویژگی تمدن غرب که منطق شکل دهنده آن سرمایه داری یا عقلانیت اقتصادی است، تن دهند. مدرن شدن به این صورت، حالتی کاملاً مکانیکی دارد نه ارگانیکی. به این معنا که عقلانیت غربی، گسست مدرنیته از سنت را در جوامع غیرغربی به نهایت خود می رساند، بی آنکه بخواهد یا بتواند، قالب کلی دگرگونی ساختاری یا ارزشی جوامع عقب مانده یا عقب نگاه داشته شده را ارائه کند. در چنین وضعیتی، جهانی شدن، به معنی انتقال بی روح ساختارها، نهادها و ارزشهای غربی به جوامع شرقی خواهد بود.

۳- تحکیم ارزشهای جدیدتر: حرکت از جامعه صنعتی به جامعه فراصنعتی، جهش نهایی در فرآیند جهانی شدن است. جامعه فراصنعتی، دوران حاکمیت مطلق فن آوری و دانش و حکومت و سلطه فن سالاری است. سلطه مطلق دانش در این مقطع، نشان از پیروزی قطعی و نهایی سرمایه داری دارد که آن نیز بازتاب حاکمیت بلامنازع تفکر علمی و عقلانی بدون رنگ و بوی الهی است (دهشیار، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۸).

به طور کلی چالش‌هایی که جهانی شدن اسلامی را مورد تهدید قرار می‌دهد عبارتند از موارد زیر:

۱- چالش‌های هویتی: چالش‌های هویتی بدین شکل ایجاد میشوند که با نفوذ بیشتر ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب در جوامع اسلامی و شکلگیری تعارضات هویتی در نتیجه آن، از خودبیگانگی در میان شهروندان تقویت شده و با کم‌رنگ کردن ارزشهای اسلامی، ارزشهای مورد تأکید غرب به مرور جایگزین فرهنگ اسلامی میشود. در این راستا شاخص حفظ و احیای هویت دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه مورد تهدید واقع شده است.

۲- رشد و تقویت قومگرایی و تأکید بر هویت‌های ملی به جای هویت اسلامی و خلق و گسترش ستیز در درون جوامع اسلامی: با آغاز روند جهانی‌شدن، خاصگرایی‌های فرهنگی تقویت شده و حرکت‌های قومی و احساسات ملی و ناسیونالیستی افزایش یافت. اسلام، محور اتحاد را پایبندی به ارزشهای اسلامی و تاسی به آیه "واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا" میداند. اما تبلیغات منفی علیه اسلام روند وحدت جهان اسلام در آینده را با مشکل مواجه خواهد کرد که در این مبان شاخص وحدت کلمه امت اسلامی دچار چالش است.

۳- ارائه تصویر نامطلوب از اسلام در میان جوامع جهان: تبلیغات ضد دینی با بهره‌گیری از ابزار تکنولوژی در قالب استفاده از ابزار رسانه‌های صوتی و تصویری و فضای سایبر، تنها محدود به درون جوامع اسلامی نبوده بلکه این حرکت، به ارائه تصویری نامطلوب از اسلام و مسلمانان در سایر جوامع نیز انجامیده است. مسائلی از قبیل ترور، عدم رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، تهدید، خشونت، عقب ماندگی، بربریسیم و ابتر بودن، نمونه‌هایی از تفسیر وحشت آفرین و تخریبی علیه مسلمانان در رسانه‌ها، فیل‌مهای غربی و فضای سایبر است (افروغ و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵۹). اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غرب شاخصه‌هایی از قبیل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جهان اسلام را با تصویری نامطلوب و در راستای اشاعه ترور و دامن زدن به اقدامات تروریستی و خشونت‌طلبانه برای شهروندان مختلف جهان ارائه می‌دهد. عدم رعایت حقوق زنان در جوامع اسلامی نیز موضوعی بوده که شاخص تأکید بر جایگاه زنان در جامعه اسلامی را بارها زیر سوال برده است.

۴- ترویج مباحث و موضوعات غیراخلاقی در میان جوانان در جهان اسلام و اجرای پروژه دین زدایی در این چارچوب: امروزه هزاران سایت در سطح گسترده‌های ترویج دهنده انواع هرزنگاریها، تصاویر و فیلمهای مستهجن هستند که دسترسی به آنها به راحتی امکانپذیر است. نتایج یک کار پژوهشی نشان می‌دهد که برای نمونه کاربران ایرانی در فضای سایبر، عمدتاً جوان، کم تجربه، مذکر و مجرد هستند. براساس یافته‌های این پژوهش، در چند سال اخیر، همواره "کلمات پورنو" در لیست مه‌ترین کلمات جستجو شده کاربران ایرانی بوده ترویج این موضوعات در فضای سایبر در چارچوب اجرای پروژه دین‌زدایی است (<http://mouood.org/8678/3>). شاخص‌هایی از قبیل التزام علمی به دین اسلام، حفظ و احیای معنویات و اخلاق اسلامی و نفی مادی‌گرایی و تفکر اومانیستی، پای‌بندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام و اعتقاد به خدا و روز جزا مورد چالش قرار داده است.

۵- ترویج الگوی زندگی غیراسلامی و در معرض تهدید قرار گرفتن بنیان خانواده در جهان اسلام: اسلام بر تشکیل خانواده و ارضای غرایز در چارچوب آن تأکید بسیار داشته و در این راستا، توجه زیادی بر قانونمند شدن روابط زن و مرد در چارچوب ارزشهای اسلامی دارد. اما تفکر لیبرال دموکراسی غرب، اندیشه‌های غیر از این را مورد تأکید قرار داده و در جهت مخالف آن عمل می‌کند. امروز فضای سایبر، فضایی را فراهم آورده که ارزشهای مدنظر اسلام در مورد خانواده و روابط زن و مرد را زیر سوال می‌برد. یکی از بارزترین این موارد در کنار منابع مکتوبی که تبلیغ میشود فعالیت در اتاقهای گفتگو یا به عبارتی چترومهاست که امروزه موجبات آشنایی و برقراری روابط نامشروع دختران و پسران جوان و یا حتی مردان و زنان متاهل در جهان اسلام را فراهم آورده که در موارد متعددی وقوع جرم و جنایات و از هم پاشیدگی بنیان خانواده‌ها را در پی داشته است. در این چارچوب شاخصه‌هایی همچون حفظ کیان خانواده و پای‌بندی به روابط شرعی میان زن و مرد در جهان اسلام مورد چالش واقع شده است.

با توجه به چالش‌های ذکر شده، خطرناک‌ترین وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، مقابله با مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها دارد، ولی با این همه، این جاذبه از دل‌بستگی مسلمانان به معنویت اسلام و ایمان به خدا، نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دل‌گرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان‌امروز، اسلام در صورتی می‌تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند. مسلمانان و

اندیشمندان و متفکران جهان اسلام باید از جنبه نظری، به بازتعریف و تحلیل خاستگاه و زمینه‌های تاریخی پیدایش تمدن غرب و جهانی شدن و عواقب و پیامدهای آن بپردازند و از جنبه عملی و کاربردی نیز با استفاده از ابزارهای فناورانه رسانه‌ای، مانند ماهواره و اینترنت و انواع وسایل جدید ارتباطی، این امکانات را به عنوان یک فرصت و فضایی مناسب برای نشر عقاید و ارزش‌های اسلامی خود تلقی کنند و در فرایند تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان نقش خود را ایفا نمایند. رسالت دیگر اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، یافتن راه‌حلی برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و کوشش در جهت تسخیر روح معنویت و فکر تمدن غرب است و از این نظر، توجه به بنیادها و مبانی فلسفی و سیاسی و اقتصادی تمدن غرب و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی عمیق عصر حاضر، که منجر به بروز و ظهور مکاتب الحادی و لادری‌گری و صدها مکتب پوچ و سرگرم‌کننده و خلأهای فکری و اعتقادی در غرب شده، حایز اهمیت است. بدین‌روی، اندیشمندان اسلامی باید بکوشند برای نیازهای عقلانی، فطری، معنوی بشر امروز پاسخ اقناع‌کننده ارائه نمایند و این خود، امتیازی بزرگ برای اسلام و اندیشمندان اسلامی در جهان امروز است.

### نتیجه‌گیری

«جهانی شدن» فرایندی است که در پی برخی تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها و تسهیل و تشدید روابط و تعاملات بین ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون، ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان به صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون نموده و انسان‌ها را با دنیای دگرگون‌شونده، سیال، گسج‌کننده، نفوذپذیر و غیرمتعین و ناآشنا و فاقد حد و مرز و غیرقابل کنترل، و پیچیده مواجه ساخته است. از جمله مباحث مهم در جهانی شدن حضور دین در این عرصه است. اسلام به عنوان دینی جهانی و فراملیتی دارای توانایی‌های بالقوه در عصر جهانی شدن است. اسلام دینی برای تمام افراد با هر پیشینه قومی و نژادی است. تمدن اسلام بر مبنای اصولی است که مخالف هر گونه تبعیض نژادی و قومی است. اقوام متعددی از قبیل اعراب، ایرانیان، ترکها، آفریقاییها، هندیها، چینیها، مالزیها و اقوام کوچکتری به تمدن اسلامی پیوستند و در شکل‌گیری آن کمک کردند. اسلام نه تنها یک تمدن جهانی را برای مردمی با اقوام و نژادهای مختلف ایجاد کرد بلکه همچنین نقش اساسی در پیشبرد دنیای تفکر و اندیشه که قبل از آن به این سابقه نبود ایفا نمود. در این راستا کشورهای اسلامی باید روابط خود را با یکدیگر تقویت نمایند. اولویتهایی که این کشورها باید مورد توجه قرار دهند عبارتست از: حذف موانع تجاری- انتقال فن آوری قانونگذاری در مورد حقوق مالکیت معنوی و ارتقای کار مشترک. آنها همچنین باید روابط خود را با کشورهای همتای خود از نظر اقتصادی و سیاسی تقویت نمایند و روابط سازنده‌ای با حامیان جهانی سازی از طریق مشارکت بیشتر در سازمان‌ها و موافقت نامه‌های بین‌المللی بخشند. جهانی سازی مسائل سیاسی و امنیتی مستلزم این است که کشورهای اسلامی به مقولات حقوق بشر و مردم‌سالاری توجه بیشتری بنمایند و دیگر آنکه آنها یک الگو سیاسی را بر اساس مشارکت عمومی و همگانی را ایجاد نمایند و بجای الگوهایی که جهانی سازی سیاسی ارائه می‌دهد یک الگوی امنیتی- سیاسی اسلامی بین کشورهای اسلامی اعمال شود.

جهانی شدن اسلام به عنوان یک فرهنگ جامع عقلانی و فطری بر اساس ادله و شواهد قرآنی و روایی و تاریخی به صورت قطعی، مبرهن و قابل اثبات است. جهانی شدن اسلام ویژگی‌ها و تمایزهای اساسی با روند کنونی جهانی شدن و جهانی‌سازی

دارد. اسلام - فی ذاته - یک نظام جامع و جهان‌شمول است و جهان‌شمولی و جهان‌نگری اسلام آموزه‌هایی همچون یکتاپرستی، نفی ظلم و تبعیض، عدالت‌گرایی و عقلانیت، صلح‌جویی و حقوق بشر، کرامت انسانی، مسئولیت فردی و اجتماعی انسان، تفاهم و برابری و برادری و ارج‌گزاری به علم را ترویج و محقق می‌سازد. همین اصول و ارزش‌های اصیل عقلانی و معنوی زمینه‌های مقبولیت جهانی برای اسلام ایجاد و پویایی و تداوم این مذهب را تضمین خواهد کرد. از این‌رو، جهانی شدن اسلام از جنبه‌های گوناگون مورد اثبات و تأکید است. جهانی شدن اسلام در کنار ظرفیت‌های خاصی که برای این امر در اختیار دارد با چالش‌هایی نیز روبرو است. بر فرض چالش اسلام و فرایند جهانی شدن و مواجهه اسلام با سایر فرهنگ‌ها، اسلام برتری خود را در زمینه‌های مبانی معرفتی، علمی و فرهنگی حفظ خواهد کرد؛ اما پیروزی و غلبه همه‌جانبه اسلام و جهان‌گستری این دین مشروط به بهره‌مندی از همه قابلیت‌های نرم‌افزاری و عوامل فنی و سخت‌افزاری است. و حق این است که از نظر شرط فاعلی، اراده خداوند به جهانی شدن این دین تعلق گرفته است.

## منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج البلاغه
- (۳) افروغ، عماد و دیگران، (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و جهان اسلام»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران.
- (۴) بازار مارسل، (۱۳۶۱)، *اسلام در جهان امروز*، ترجمه د.م.ی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۵) تاملیسون جان، (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- (۶) خلیلیان سیدخلیل، (۱۳۶۲)، *حقوق بین‌الملل اسلامی*، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۷) دهشیر حسین، (۱۳۷۹)، «جهانی‌شدن: تکامل فرایند بُرنِ بریِ ارزش‌های نهادهای غربی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۵۷ و ۱۵۸، مهر و آبان ۱۳۷۹، ص ۸۴ - ۹۴.
- (۸) رابرتسون، رونالد، (۱۳۸۰)، *جهانی‌شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- (۹) رجایی فرهنگ، (۱۳۸۰)، *پدیده جهانی‌شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آگاه
- (۱۰) روزنامه ایران، (۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۱)، *گفت و گو با آلن تورن*.
- (۱۱) روزنامه جام جم، (۷ مرداد ۱۳۸۰)، *مناظره ایگنا سیورامونت و توماس فریدمن درباره جهانی‌شدن*، ترجمه علی ایوان دری.
- (۱۲) خلیلیان سیدخلیل، *حقوق بین‌الملل اسلامی*، نشر فرهنگ اسلامی، جلد اول، ۱۳۶۲
- (۱۳) ضیایی بیگدلی محمدرضا، (۱۳۸۵)، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، چاپ هشتم، تهران، نشر گنج دانش.
- (۱۴) عبدالحمید محسن، (۱۳۸۰)، *جهانی‌شدن از منظر اسلامی*، ترجمه شاکر لوئی، پگاه حوزه، شماره ۳۴.
- (۱۵) کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۸۰)، *جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست*، تهران، قومس.
- (۱۶) کیانی، داود، (۱۳۸۰)، «مقاله مقدمه‌ای بر جهانی‌شدن»، *مجله اندیشه صادق*، شماره ۵، صص ۲۸-۳۵.

- ۱۷) کیلی ری و فیل ماریت، (۱۳۸۰)، **جهانی شدن و جهان سوم**، ترجمه شیخ علیان و نورائی، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۱۸) مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۶۳)، **تفسیر نمونه**، قم، نشر دارالکتاب الاسلامیه.
- ۱۹) نش کیت، (۱۳۸۰)، **جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست و قدرت**، ترجمه محمدتقی دل فروز، با مقدمه حسین بشیریه، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰.

۲۰) <http://mouood.org/content/view/8678/3>